

چگونگی کار فرهنگی

اشاره:

درباره‌ی فرهنگ و کار فرهنگی حرف‌های بسیاری گفته شده است به گونه‌ای که هر وقت کسی بخواهد در این باره مطلبی ارائه کند متهم به بیان حرف‌های تکراری می‌شود. اما با این حال بسیاری از دست‌اندرکاران عرصه فرهنگ هنوز به تعریف درستی از کار و روش کار فرهنگی نرسیده‌اند و در بسیاری از مواقع، این امور هنوز به صورت سلیقه‌ای انجام می‌شود.

به همین دلیل بر آن شدیم تا با بررسی بیانات حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی چراغ راهی برای حرکت در مسیر فعالیت‌های فرهنگی بیابیم.

آنچه در پی آمده است نتیجه این بررسی است. البته سعی بر آن شده تا مطالبی ارائه گردد که مریبان عقیدتی سیاسی بسیج و فعالان این عرصه در مراکز و پایگاه‌های بسیج بیشتر بدان نیاز



دارند و آنچه که شاید به نظر آید که بیشتر برای مسئولین قابل استفاده است در جهت رفع شبهه و پاسخ به اشکالاتی است که برخی در روند کار فرهنگی دارند.



تهاجم فرهنگی یک واقعیت است

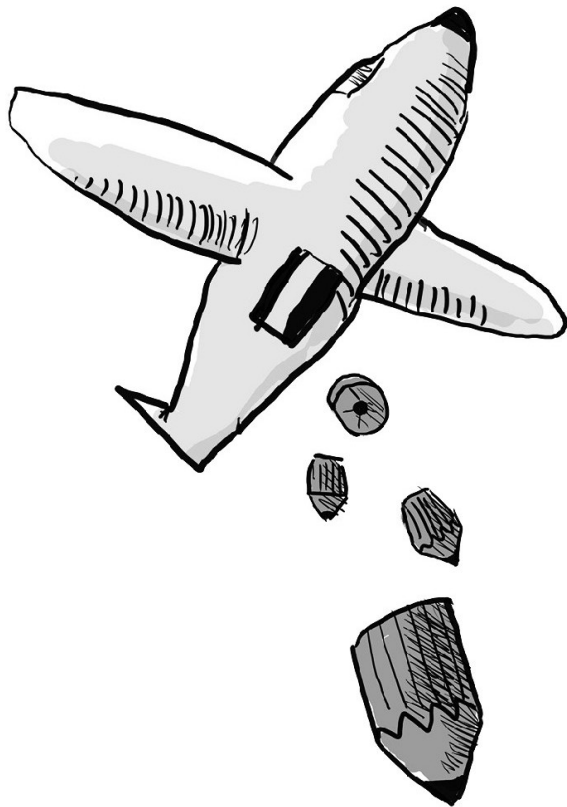
تهاجم فرهنگی یک واقعیتی است. صدها - حالا من که می‌گویم صدها، می‌شود گفت هزارها؛ منتها حالا بنده چون یک‌خرده در زمینه‌های آماری دلم می‌خواهد احتیاط کنم، می‌گویم صدها - رسانه‌ی صوتی، تصویری، اینترنتی، مکتوب در دنیا دارند کار می‌کنند با هدف ایران! با هدف ایران!

نه این که دارند کار خودشان را می‌کنند. یک‌وقت هست که فرض کنید رادیوی فلان کشور یا تلویزیون فلان کشور یک کاری دارد برای خودش می‌کند؛ این نیست، اصلاً هدف این‌جا است؛ با زبان فارسی [برنامه می‌سازند]؛ آن‌را با وقت استفاده‌ی فارسی‌زبان یا عنصر ایرانی تطبیق می‌کنند؛ مسائل ما را رصد می‌کنند و بر طبق آن مسائل، موضوعات و محتوا برای رسانه‌ی خودشان تهیه می‌کنند؛ یعنی کاملاً واضح است که هدف این‌جا است. خودشان هم می‌گویند، انکار هم نمی‌کنند. بنابراین تهاجم فرهنگی یک حقیقتی است که وجود دارد؛ می‌خواهند بر روی ذهن ملت ما و بر روی رفتار ملت ما - جوان، نوجوان، حتی کودک - اثرگذاری کنند. (۹۲/۹/۱۹)

به برکت قبول دیگران

ما چند سال قبل از این بحث تهاجم فرهنگی را مطرح کردیم؛ بعضی‌ها اصل تهاجم را منکر شدند؛^۱ گفتند چه تهاجمی؟ بعد یواش یواش دیدند که نه [فقط] ما می‌گوییم، خیلی از کشورهای غیرغربی هم مسئله‌ی تهاجم فرهنگی را مطرح می‌کنند و می‌گویند غربی‌ها به ما تهاجم فرهنگی کردند؛ بعد دیدند که خود اروپایی‌ها هم می‌گویند آمریکا به ما تهاجم فرهنگی کرده! لابد دیده‌اید، خوانده‌اید که [گفتند] فیلم‌های آمریکایی، کتاب‌های آمریکایی چه تهاجم فرهنگی‌ای به ما کرده‌اند و دارند فرهنگ ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بعد بالاخره به برکت قبول دیگران، این حرف ما هم مورد قبول خیلی از کسانی که قبول نمی‌کردند قرار گرفت! (۹۲/۹/۱۹)

۱. مظلومیت حضرت امام خامنه‌ای در این بیانات کاملاً مشهود است.



شناخت؛ لازمه‌ی مبارزه با تهاجم

من عرض می‌کنم ما در برخورد با مسائل تهاجمی، پدیده را در اول ورود، حتی قبل از ورود باید بشناسیم. فرض کنید یک چیزی، یک فکری، یک روشی در دنیا دارد رایج می‌شود؛ پیدا است که این این‌جا خواهد آمد - خب دنیا دنیای ارتباطات است، دنیای اتصال و ارتباط است، نمی‌شود حصار کشید - قبل از آن که بیاید، به فکر باشید که برخورد حکیمانه با این چیست. معنای این همیشه این نیست که ما آن را رد کنیم؛ نه، گاهی یک پدیده‌ای است که ما آن را می‌توانیم قبول کنیم، گاهی پدیده‌ای است که می‌توانیم اصلاح کنیم، گاهی پدیده‌ای

است که می‌توانیم یک ذیلی برایش تعریف کنیم که آن ذیل، مشکل آن را برطرف کند. دیر جنبیدن، دیر فهمیدن، دیر به فکر علاج افتادن، این اشکالات را دارد که بعد شما دچار مشکلاتی می‌شوید که نمی‌توانید با آن‌ها مواجه بشوید. پس من نمی‌گویم که فقط موضع دفاعی داشته باشیم - البته وقتی تهاجم هست، انسان باید دفاع کند؛ شکی نیست - توصیه‌ی من فقط موضع دفاعی نیست؛ اما موضع اثباتی، موضع تهاجمی، موضع حرکت صحیح باید داشته باشیم.

به‌رحال در مقابل فرهنگ مهاجم، بدترین کار، انفعال است؛ زشت‌ترین کار، انفعال است؛ خسارت‌بارترین کار، انفعال است. فرهنگ مهاجم نباید ما را منفعل بکند؛ حداکثر این است که بگوییم خیلی خب، ما در مقابل این نمی‌توانیم یک حرکتی انجام بدهیم، اما منفعل هم نمی‌شویم. منفعل شدن و پذیرفتن تهاجم دشمن، خطایی است که بایستی از آن پرهیز کرد. (۹۲/۹/۱۹)

**منفعل شدن و پذیرفتن
تهاجم دشمن، خطایی
است که بایستی از آن
پرهیز کرد.**

نمونه‌های تهاجم فرهنگی

اسباب بازی و بازی‌های رایانه‌ای

این بازی‌های اینترنتی از جمله‌ی همین است؛ این اسباب‌بازی‌هایی که وارد کشور می‌شود از جمله‌ی همین است که من چه‌قدر سر قضیه‌ی تولید اسباب‌بازی داخلی معنی‌دار و جذاب حرص خوردم با بعضی از مسئولین این کار که این کار را دنبال نکنند؛ البته بحمدالله ظاهراً این‌جا یک تصمیمی در این زمینه گرفته شد، حالا ان‌شاءالله همان تصمیم را هم دنبال کنید که اجرایی بشود.

... اسباب‌بازی رایج بچه‌های ما شده تفنگ. خب بابا! آمریکایی‌ها که پدرجد ما در این کارند، الان پشیمانند، در آن درمانده‌اند که چه کار کنند. ما بچه‌های خودمان را که آلک‌دولک بازی می‌کردند که تحرک داشت و خوب بود، گرگم‌به هوا بازی می‌کردند که کار بسیار خوبی بود و ورزش بود و بازی و سرگرمی بود، یا این چیزی که خط کشی می‌کنند و لی‌لی می‌کنند - بازی بچه‌های ما این‌ها بود - آورده‌ایم نشانده‌ایم پای اینترنت، نه تحرک جسمی دارند، نه تحرک روحی دارند، و ذهنشان تسخیر شده به وسیله‌ی طرف مقابل. خب بیایید بازی تولید کنید، بازی ترویج کنید، همین بازی‌هایی که بنده حالا اسم آوردم و ده‌تا از این قبیل بازی [که] بین بچه‌های ما از قدیم معمول بوده را ترویج کنید؛ [این] یکی از کارها است، این‌ها را ترویج کنید.



(۹۲/۹/۱۹)

کتاب‌های آموزش زبان

الان آموزش زبان انگلیسی - بالخصوص زبان انگلیسی، حالا زبان‌های دیگر خیلی خیلی کمتر - خیلی رواج پیدا کرده، آموزشگاه‌های فراوانی به‌وجود می‌آورند. خب، مراکز آموزش هست؛ همه‌ی کتاب‌های آموزش که خیلی هم با شیوه‌های جدید و خوبی این کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی تدوین شده، منتقل‌کننده‌ی سبک زندگی غربی است، سبک زندگی انگلیسی است. خب این بچه‌ی ما، این نوجوان ما و جوان ما [که] این را می‌خواند، فقط زبان یاد نمی‌گیرد؛ حتی ممکن است آن زبان یادش برود، اما آن‌چه بیشتر در او اثر می‌گذارد آن تأثیر و انطباعی [است] که بر اثر خواندن این کتاب از سبک زندگی غربی در وجود او به‌وجود می‌آید؛ این از بین نمی‌رود؛ این کارها را دارند می‌کنند. (۹۲/۹/۱۹)

**کار فرهنگی، یعنی (و)
فرهنگی در آن باشد، یک
حرکت فرهنگی باشد، رشد
بدهد و فعل و انفعال را در
ذهن و مغز و جان و عواطف
انسان به وجود آورد.**

بفهمیم کار فرهنگی یعنی چه

کار فرهنگی را درست لخت کنیم و بفهمیم یعنی چه. کار فرهنگی، آن چیزی نیست که لباس فرهنگی دارد. لباس فرهنگی، یعنی نوشته و کاغذ و قلم و امثال این‌ها. این، فرهنگ می‌شود؛ اما کار فرهنگی نیست. کار فرهنگی، یعنی روح فرهنگی در آن باشد، یک حرکت فرهنگی باشد، رشد بدهد و فعل و انفعال را در ذهن و مغز و جان و عواطف

انسان به وجود آورد. اگر شما مدرسه درست کردید، ولی این مدرسه در روح کودکی که هدف و آماج کار تبلیغی شماست، اثر مثبت نگذاشت، این کار چیست؟ می‌توانید ادعا کنید که کار فرهنگی است؟ نه، این، ضد کار فرهنگی است. (۱۳۶۹/۱۰/۲۳)

اثر صد درصد

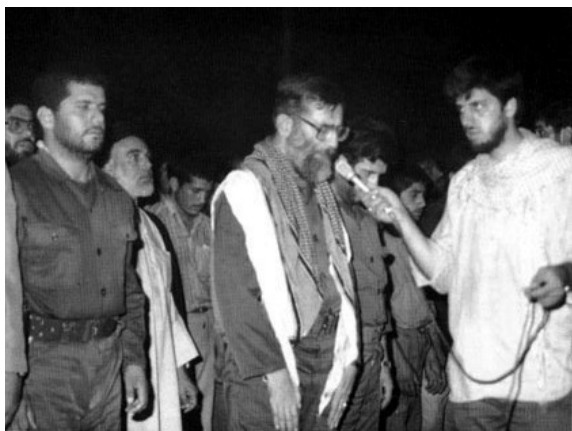
اثر کار فرهنگی، صد درصد است و هیچ کار فرهنگی درست، بدون اثر نیست. راز کار فرهنگی را تبلیغاتچی‌های جهانی می‌دانند. اگر این همه پول خرج می‌کنند و رادیو و خبرگزاری راه می‌اندازند، به این دلیل است که آثار و نتایج کار فرهنگی را می‌دانند. تأثیر هیچ سرمایه‌گذاری‌یی مثل کار فرهنگی قطعی و نتیجه‌اش صد درصد نیست. اگر کار فرهنگی کم‌تأثیر باشد، بدانیم که ارکانش ناقص است و به میزان لازم انجام نگرفته است. باید عیب آن را یافت و اصلاح کرد. (۱۳۶۸/۰۵/۲۵)

گستره‌ی کار فرهنگی

کار فرهنگی، فقط درس دادن و گفتن نیست. گاهی شما به دست یک نفر قرصی می‌دهید، یا در دهان کسی لقمه‌ای می‌گذارید. این کار، فرهنگی است. وقتی که صحبت از کار فرهنگی می‌شود، ذهنتان فوراً به سمت مجله و روزنامه و امثال این‌ها نرود. (۱۳۶۹/۱۰/۲۳)

نسل جوان فاسد نشده

آن کسانی که خیال می‌کنند نسل جوان فاسد شده - چون چهار نفر پسر و دختر را با لباسی که آن‌ها نمی‌پسندند، می‌بینند؛ که لزوماً هم معلوم نیست آن چنان منفی باشد - اشتباه می‌کنند. (۱۳۸۰/۰۲/۱۲)



هر جا هستی همان را مرکز دنیا بدان

در جمهوری اسلامی، هر جا که قرار گرفته‌اید، همان جا را مرکز دنیا بدانید و آگاه باشید که همه‌ی کارها به شما متوجه است. چند ماه قبل از رحلت امام (رضوان‌الله‌علیه)، مرتب از من می‌پرسیدند که بعد از اتمام دوره‌ی ریاست جمهوری می‌خواهید چه کار کنید.

من خودم به مشاغل فرهنگی زیاد علاقه دارم؛ فکر می‌کردم که بعد از اتمام دوره‌ی ریاست جمهوری به گوشه‌ای بروم و کار فرهنگی بکنم. وقتی از من چنین سؤالی کردند، گفتم اگر بعد از پایان دوره‌ی ریاست جمهوری، امام به من بگویند که بروم رئیس عقیدتی، سیاسی گروهان ژاندارمری زابل بشوم - حتی اگر به جای گروهان، پاسگاه بود - من دست زن و بچه‌ام را می‌گیرم و می‌روم! والله این را راست می‌گفتم و از ته دل بیان می‌کردم؛ یعنی برای من زابل مرکز دنیا می‌شد و من در آنجا مشغول کار عقیدتی، سیاسی می‌شدم! به نظر من بایستی با این روحیه کار و تلاش کرد و زحمت کشید؛ در این صورت، خدای متعال به کارمان برکت خواهد داد. (۱۳۷۰/۱۲/۰۵)

ببینیم که ما چه کار باید بکنیم

ما نباید نگاه کنیم که دیگری چه می‌کند؛ ببینیم که ما چه کار باید بکنیم. از اول انقلاب هم ما همیشه همین‌طور فکر می‌کردیم. ما می‌گفتیم که دستور کار خود را از دیگری که به اعتقاد ما خوب عمل نمی‌کند، نمی‌گیریم. ما دستور کارمان را از عقیده و تشخیص خودمان می‌گیریم. ما باید خوب و ملایم و دینی و تقوایی عمل کنیم. واقعا «أسس علی التقوی» باشد. مبنا و ملاک کار تقوا باشد. اگر ما فرضاً یک وقت دیدیم که در جامعه، نفر دیگری بر مبنای تقوا عمل نمی‌کند، نگوییم که پس او چرا عمل نمی‌کند. حالا او عمل نکند. عمل نکردن او بر تقوا، موجب این نمی‌شود که ما هم بر تقوا عمل نکنیم. ما باید بر اساس تقوا عمل کنیم... به‌هرحال، کار فرهنگی، کار بسیار بسیار مهمی است. (۱۳۶۸/۱۰/۱۲)



تعمیق معرفت دینی با تدبر در قرآن و ادعیه

دوستان عزیز! من به شما عرض بکنم؛ انس با قرآن و تدبر در قرآن، همچنین تدبر در ادعیه‌ی مأثوره‌ای که اعتبار دارد - مثل صحیفه‌ی سجادیه و بسیاری از دعاها - در تعمیق معرفت دینی خیلی نقش دارد. تعمیق معرفت دینی خیلی مهم است. یک وقت یک کسی همین‌طور روی احساسات، در نماز جماعت هم ممکن است شرکت کند، در اعتکاف هم شرکت کند، در

مجلس عزای حسینی هم شرکت کند، در فلان تظاهرات دینی هم شرکت کند، اما این معرفت در عمق جان او وجود نداشته باشد؛ لذا سر یک پیچی، سر یک دست‌اندازی، یکهو می‌بینید که از جا در می‌رود؛ این به‌خاطر این است. ما نظائرش را زیاد دیدیم. توی همین مجموعه‌های انقلاب، اوائل انقلاب کسانی بودند که از ماها که ریش داشتیم و عمامه داشتیم و این‌ها، به نظر می‌رسید که این‌ها متدین‌تر و مقیدتر و پابندتر و نسبت به دین متعصب‌ترند؛ بعد یک وقت - همان‌طوری که عرض کردم - یک دست‌اندازی پیش آمد، یکهو دیدیم تایش در رفت! خوب، پیداست که چفت و بست محکمی نداشته. بنابراین تعمیق معرفت دینی، خیلی مهم است؛ انس با معارف اسلامی، خیلی مهم است. این هم یک بخش کار فرهنگی است. (۱۳۸۸/۱۱/۱۳)

چشاندن لذت عبادت

یک بخش مهم کار فرهنگی هم، کار دینی است؛ با دین مأنوس کردن، با عبادت انس دادن، لذت عبادت را چشاندن. واقعاً یکی از سیئات دوران پهلوی همین است که این‌ها مجموعه‌ی تحصیلکرده‌ها را از آن وقت از مسائل دینی منقطع کردند؛ از قرآن منقطع کردند، از صحیفه‌ی سجادیه منقطع کردند، از نهج‌البلاغه منقطع کردند؛ بعد هم همان حالت تقریباً بعد از انقلاب ادامه پیدا کرده. البته سی سال - یک نسل - از شروع انقلاب گذشته، خیلی کارها می‌توانسته انجام بگیرد؛ لیکن ما همان رویه را دنبال کردیم. (۱۳۸۸/۱۱/۱۳)

عمل به قرآن

عمل خودمان را باید قرآنی کنیم، الهی کنیم. به گفتن نیست، به زبان نیست، به ادعا کردن نیست؛ باید در عمل، در این راه حرکت کنیم و قدم برداریم. با قرآن که انس می‌گیرید، قرآن را که تلاوت می‌کنید، هر جایی دستوری است، هدایتی است، نصیحتی است، در درجه‌ی اول سعی کنید آن را در وجود خودتان، در باطن خودتان، در دل خودتان پایدار کنید و آن را به عمل خودتان نزدیک کنید. هر کدام از ما اگر در عمل این را متعهد شدیم، جامعه پیش خواهد رفت، جامعه قرآنی خواهد شد. (۱۳۹۱/۴/۲۱)

تلاش برای رشد سیاسی مردم

این هم خودش یک کار فرهنگی است که انسان تلاش کند مردم رشد سیاسی و قدرت تحلیل و بینش درست پیدا کنند، یا بینش را پیدا کنند. حالا وقتی کسی بینش سیاسی پیدا کرد، درست و نادرستش را خودش بعداً تعیین خواهد کرد. باید قدرت دید حقایق سیاسی در مردم به وجود آید تا در برخورد با جریان‌ها و حوادث سیاسی گیج نباشند. اگر مردم قدرت تحلیل داشته باشند، این مملکت و انقلاب را بیمه و تضمین می‌کنند. هر حادثه‌یی که در جایی به وجود می‌آید، مردم باید بتوانند دور و بر حادثه را یک خرده نگاه کنند و بفهمند قضیه چیست. این، واقعاً خیلی مهم است. ما الان متأسفانه این را نداریم و یا کم داریم. هرچه خود انقلاب و سنگلاخ‌های آن، مردم را به پیچ و تاب انداخته و پیش برده، به جای خود محفوظ است؛ اما ما و مجموعه‌های ما کمتر تلاش کرده‌اند. بله، اوایل انقلاب در این مورد تا چند سالی کارهایی می‌شد و بعضی از مجموعه‌ها تلاش می‌کردند تا مردم را از لحاظ بینش سیاسی جلو ببرند؛ اما حالا نیست. این، خودش یک کار فرهنگی است... در کارهای باندي و اجرایی سیاسی وارد نشوید و به کار فرهنگی پردازید که متأسفانه غریب است. (۱۳۶۸/۱۰/۱۲)

کار و ابتکار

خب در مقابل این‌ها باید چه کار کرد؟ در مقابل این‌ها دو چیز لازم است: یکی کار، یکی ابتکار؛ این دو کار و این دو نقطه‌ی مهم را باید در نظر [داشت]؛ باید کار کنیم، کار هم باید کار ابتکاری باشد.

... ما همه‌اش نباید نگاه کنیم ببینیم که غربی‌ها از چه جور بازی‌ای حمایت می‌کنند، ما هم از همان بازی حمایت بکنیم.

خب حالا من نمی‌خواهم راجع به بعضی از این ورزش‌ها چیزی بگویم، اما خب ما خیلی کارهای خوب داریم که مال ما است؛ من [قبلاً] گفتم، چوگان مال ما است، دیگران به اسم خودشان کردند؛ [خب] این را ترویج کنید؛ ورزش باستانی یک ورزش زیبا و هنری است، (۹۲/۹/۱۹)

کار نمایشی ممنوع

در زمینه‌های فرهنگی، دنبال کارهای تشریفاتی و ویترونی نباشید. نمایش دادن کار فرهنگی، نه این که فایده‌ای ندارد؛ ضرر هم دارد. در زمینه‌ی فرهنگ باید دنبال کارهای محتوایی و اصیل و واقعی رفت، که امروز نیاز عمده‌ی کشور هم این است. (۱۳۸۹/۰۶/۰۸)

پیوست فرهنگی



دوستان ما آمدند در یکی از دستگاه‌های فعال و مسئول، عروسک‌های خوبی درست کردند؛ خوب هم بود؛ اول هم حساسیت طرف مقابل را - یعنی مخالفین را، خارجی‌ها را - برانگیخت که این‌ها آمدند در مقابل باربی و مانند این‌ها، این [عروسک‌ها] را درست کردند؛ ولی نگرفت. من به این‌ها گفتم که اشکال کار شما این است که شما آمدید به فلان نام، یک پسری را، یک دختری را آوردید در بازار، این عروسک شما را بچه‌ی ما اصلاً نمی‌شناسد - ببینید، پیوست فرهنگی که می‌گوییم/این‌ها است - خب، یک عروسک است فقط، در حالی که مرد عنکبوتی را بچه‌ی ما می‌شناسد، بتمن را بچه‌ی ما

می‌شناسد. ده بیست فیلم درست کرده‌اند، این فیلم را آن‌جا دیده، بعد که می‌بینند همان عروسکی که در فیلم داشت کار می‌کرد، در مغازه هست، به پدر و مادرش می‌گوید این را برای من بخرید؛ عروسک را می‌شناسد؛ این پیوست فرهنگی [است]. شما بایستی این عروسک را که ساختید، در کنار ساخت عروسک، ده بیست فیلم کودک درست می‌کردید برای این که این عروسک معرفی بشود بچه‌ها؛ بعد که معرفی شد، آن وقت خودشان می‌خرند، [اولی] وقتی معرفی نشد، بازار ندارد و ورشکست می‌شود؛ و ورشکست شد. یعنی یک چنین دقت‌هایی را بایست کرد. (۹۲/۹/۱۹)

نتایج گسترش کار فرهنگی

آن جوان‌هایی که در تهران، در شهرهای گوناگون، در استان‌های مختلف، در خود مشهد، در بسیاری از شهرهای دیگر کار فرهنگی می‌کنند، با اراده‌ی خودشان، با انگیزه‌ی خودشان - کارهای بسیار خوبی هم از آن‌ها ناشی شده است که از بعضی از آن‌ها ما بحمدالله اطلاع پیدا کردیم - کار را هرچه می‌توانند به‌طور جدی دنبال کنند و ادامه بدهند بدانند که همین گسترش کار فرهنگی در بین جوان‌های مؤمن و انقلابی، نقش بسیار زیادی را در پیشرفت این کشور و در ایستادگی ما در مقابل دشمنان این ملت، ایفا کرده است. (۱۳۹۳/۱/۱)

اتکای کار فرهنگی به مردم

فرهنگ به مردم متکی است؛ این همه مجالس عزاداری، این همه مجالس سخنرانی، این همه انجمن‌های ادبی، این همه انجمن‌های علمی، این‌ها را اصلاً کی دولت‌ها می‌توانند به‌وجود بیاورند؟ کجا ممکن است؟ این همه نمازهای جماعت، این همه کارهای گوناگون فرهنگی که در سطح کشور انجام می‌گیرد، اگر فرض کنیم دولت‌ها بخواهند هم این کارها را انجام بدهند، نمی‌توانند انجام بدهند؛ کار مردم است. اما این موجب نمی‌شود که اگر شما یک‌جا دیدید که فرض بفرمایید یک حرکتی دارد در همین کارهای مردمی انجام می‌گیرد که دارای آسیب اجتماعی است، داخل نشوید و بگویید من دخالت نمی‌کنم؛ نه، این‌جا لازم است دخالت بشود، هدایت بشود، کار بشود. (۹۲/۹/۱۹)

معارضه با مزاحمت فرهنگی

دولت و مسئولان موظفند که توجه کنند به جریان عمومی فرهنگ جامعه؛ ببینند کجا داریم می‌رویم، چه دارد اتفاق می‌افتد، چه چیزی در انتظار ما است؛ اگر چنانچه مزاحمتی وجود دارد، آن‌ها را برطرف کنند؛ جلوی موانع را، عناصر مخرب را، عناصر مفسد را بگیرند. ما اگر چنانچه به یک باغبان و بوستانبان ماهر و زبده می‌گوییم که علف‌هرزه‌های این باغ را جمع کن، معنای آن این نیست که از رشد گل‌های این باغ می‌خواهیم جلوگیری کنیم یا به آن‌ها دستور بدهیم؛ نه، شما اجازه بدهید گل‌های معطر و خوشبو طبق طبیعت خودشان، طبق استعداد خودشان، از آب و از هوا استفاده کنند، از نور خورشید استفاده کنند، رشد کنند؛ اما در کنار آن‌ها علف‌هرزه‌ها را هم اجازه ندهید که رشد کنند؛ اگر این بود، مانع رشد آن‌ها می‌شود. این‌که ما گاهی با بعضی از پدیده‌های فرهنگی به جد مخالفت می‌کنیم و انتظار می‌بریم از مسئولان کشور - چه مسئولان فرهنگی، چه غیر فرهنگی - و از این شورا که

جلوی آن را بگیرند، به خاطر این است؛ یعنی معارضه‌ی با مزاحمت فرهنگی هیچ منافاتی ندارد با رشد دادن و آزاد گذاشتن و پرورش دادن مطلوبات فرهنگی؛ این نکته‌ی بسیار مهمی است.

یکی از وظایف نظارتی و مراقبتی دستگاه حکومت این است که متوجه مزاحم‌ها باشد. شما فرض کنید در فرهنگ عمومی یک عامل و یک آسیب مهمی به نام طلاق مثلاً وجود دارد. حالا اگر چنانچه فرض کنیم در مجموعه‌ی کشور یک تبلیغاتی شروع بشود که بنیان خانواده را سست می‌کند و به طلاق می‌انجامد، خب شما مجبورید جلوی این را بگیرید؛ یعنی اگر چنانچه می‌خواهید طلاق در جامعه رواج پیدا نکند، بایستی به این معنا توجه بکنید؛ یعنی باید جلوی این چیزی که به‌طور طبیعی مردم را، جوان را، دختر را، پسر را می‌کشاند به بی‌میلی به خانواده و بی‌اعتنایی به کانون خانواده و بی‌اعتنایی به همسر، بگیرید؛ قهراً معارضه وجود دارد. (۹۲/۹/۱۹)

دولت دینی یا دین دولتی؟

ما مسئولیت شرعی داریم، مسئولیت قانونی داریم در قبال فرهنگ کشور و فرهنگ عمومی کشور. و البته می‌بینیم در بعضی از مطبوعات، نوشته‌ها، گفته‌ها، بعضی‌ها با عنوان [کردن] "دین دولتی" و "فرهنگ دولتی" می‌خواهند نظارت دولت را محدود کنند و تخریب کنند و به اصطلاح یک انگ غلطی و مخالفتی به آن بزنند که آقا، این‌ها می‌خواهند دین را دولتی کنند، فرهنگ را دولتی کنند! این حرف‌ها یعنی چه؟ دولت دینی با دین

دولتی هیچ فرقی ندارد. دولت جزو مردم است؛ دین دولتی یعنی دین مردمی؛ همان دینی که مردم دارند، دولت هم همان دین را دارد. دولت، وظیفه برای ترویج بیشتر [دین] دارد. هر کسی هر توانی که دارد، باید خرج کند؛ یک روحانی باید توانش را خرج کند؛ یک دانشگاهی باید توان خودش را صرف کند؛ یک انسانی که دارای یک منبری است، دارای یک حوزه‌ی نفوذی است در تأثیرگذاری روی مردم، باید توان

دولت دینی

با دین دولتی

هیچ فرقی ندارد.

دولت جزو مردم است؛

دین دولتی یعنی دین مردمی؛

همان دینی که مردم دارند،

دولت هم همان دین را دارد.

خودش را خرج کند. از همه‌ی این‌ها پرتوان‌تر هم دستگاه حکومت یک کشور است؛ خوب، طبعاً باید توان خودش را صرف کند در راه ترویج فضائل و جلوگیری از آن‌چه مزاحم رشد فضائل است. پس بنابراین فرهنگ جامعه متولی می‌خواهد.

مثل اقتصاد. شما در زمینه‌ی اقتصاد هم معتقدید که اقتصاد دست مردم باید باشد؛ ما هم عقیده‌مان همین است و در تفسیر اصل ۴۴ این معنا را تبیین کردیم. خوب، معنای آن این نیست که دولت اجازه می‌دهد یک نفری فعالیت اقتصادی بکند و یک انحصاری را در اختیار بگیرد که این انحصار در نهایت به ضرر مردم است؛ جلوی او را می‌گیرید شما؛ جلوی انحصارات را می‌گیرید، جلوی تجاوز را می‌گیرید، جلوی فساد مالی را می‌گیرید، جلوی سوء استفاده از منابع دولتی و عمومی را می‌گیرید؛ یعنی جلوی این مزاحمات را می‌گیرید.

(۹۲/۹/۱۹)

با آزادی گناه مخالفیم

[اگر] در جامعه‌ای بیایند عکس‌های مستهجن جنسی را به شکل وسیعی در میان جوانان پخش کنند! شما چه‌طور می‌خواهید این را جواب دهید؟! اصلاً قابل جواب دادن است؟! این اصلاً قابل جواب دادن نیست. وقتی که یک اثر هنری و یک نوشته و یک عکس، یک تأثیر ویرانگر اخلاقی دارد، این قابل پاسخ‌گویی نیست. جلو این کار فرهنگی را باید گرفت؛ این آن ممیزی واجب است که در جنجال علیه ممیزی و سانسور نباید هدف را گم کرد. من وظیفه‌ی نظام می‌دانم، وظیفه‌ی وزارت ارشاد می‌دانم، وظیفه‌ی شما که ناشرید می‌دانم، که وقتی چنین چیزی مطرح می‌شود، شما اجازه ندهید و کمک نکنید. این هیچ ربطی ندارد به این که ما با فکر آزاد موافقیم یا مخالفیم. طبیعی است که ما با آزادی‌هایی مخالفیم؛ مگر کسی شک دارد؟ ما با بعضی از آزادی‌ها مخالفیم. ما با آزادی‌های جنسی مخالفیم؛ ما با آزادی گناه مخالفیم و این کاری است که مردم را به این طرف سوق می‌دهد... کتابی که جوانان را به‌طور واضحی، با شیوه‌های هنری، به سمت گناه سوق می‌دهد! این یک مسأله‌ی فکری نیست که ما بگوییم حالا این کتاب منتشر شود، ما هم جوابش را منتشر کنیم؛ این جواب ندارد!... خطاست اگر کسی گمان کند، ما که نسبت به مسأله‌ی مطبوعات و کتاب و نوشتن و نشر در جامعه حساسیت به‌خرج می‌دهیم، با تفکر آزاد، با فکر آزاد و با مباحثه‌ی

آزاد مخالفیم؛ نه. ما کسانی هستیم که اولین شعارهای این مسائل را داده‌ایم و الحمدلله تا الان هم دنبالش بوده‌ایم؛ اما با آزادی گناه و آزادی ویرانگری مخالفیم. نمی‌شود اجازه داد که نسل جوان یک کشور که به اعتماد ما می‌آید کتاب را از شما می‌خرد و می‌گوید این‌ها متدینین و در رأس کار هستند، از این طریق گمراه یا فاسد شود؛ یا از این طریق دشمن بخواهد کاری انجام دهد. (۱۳۷۸/۲/۲۸)

تعصب غربی‌ها بر روی ارزش‌های غلط فرهنگی

بعضی غیر مسئولانه گاهی حرف می‌زنند؛ نگاه می‌کنند به ادعاهایی که در کشورهای غربی هست در مورد آزادی‌های فرهنگی و فلان؛ درحالی‌که این‌جوری نیست. غربی‌ها اصرارشان و مقاومت‌شان بر روی ارزش‌های فرهنگی خودشان از ما کمتر نیست و بیشتر هم هست؛ از ما بیشتر است.

فرض بفرمایید رسم و فرهنگ فلان کشور این است که حتماً باید در مجلس میهمانی رئیس جمهور، مشروب مشخصی مصرف بشود. اگر چنان‌چه یک رئیس جمهوری بگوید که من حاضر نیستم، اصلاً مجلس را منتفی می‌کنند؛ اصلاً مجلس میهمانی را برگزار نمی‌کنند؛ که این اتفاق افتاده دیگر، این را ما در زمان حیات خودمان و زندگی خودمان [دیدیم]؛ شماها هم شاید همه‌تان یا بیشترتان می‌دانید، اطلاع دارید. اگر کسی فرض بفرماید کراوات نزند، بخواهد وارد یک مجلس رسمی بشود، می‌گویند این خلاف پروتکل است، نمی‌شود؛ باید حتماً شما یا پاپیون بزنید یا کراوات بزنید! خب این‌ها چیست؟ این‌ها همان فرهنگ است دیگر؛ این قدر متعصبند، این قدر پایبندند.

مسئله‌ی اختلاط زن و مرد که اسمش را گذاشتند تساوی!!! - که متأسفانه تساوی نیست، اختلاط زن و مرد است؛ اختلاط مضر و بشدت زهرآگینی است که وجود دارد و امروز جوامع را و بیشتر از همه هم خود جوامع غربی را مبتلا کرده و حالا اندیشمندان‌شان فهمیده‌اند که این مسیر یک مسیری است که اصلاً پایان ندارد؛ یعنی همین‌طور [این] حرکت ادامه دارد و سیری‌ناپذیری طبع انسانی این حرکت انحرافی را تا ناکجاآباد خواهد برد - یکی از اصول خودشان می‌دانند؛ اگر قبول نداشته باشید، شما را طرد می‌کنند، رد می‌کنند، مذمت می‌کنند؛ یعنی آن‌ها بیشتر از ما، متعصبانه‌تر از ما پایبندند به یک چیزهایی که غیر معقول است.

یا از این قبیل کارها، این بالماسکه‌هایی که در کشورهای غربی معمول است که چه قدر هم فجایع حاصل می‌شود که حالا داستانش سر دراز دارد.

غرض، آن‌ها بیشتر از ما متعصبند، بدتر از ما لجابت می‌کنند بر سر ارزش‌های فرهنگی خودشان که در واقع ضد ارزش هم هست. ما چرا بر سر فرهنگ خودمان پافشاری نکنیم؟ (۹۲/۹/۱۹)

پاسداشت زبان فارسی

من خیلی نگران زبان فارسی‌ام؛ خیلی نگرانم. سال‌ها پیش ما در این زمینه کار کردیم، اقدام کردیم، جمع کردیم کسانی را دور هم بنشینند. من می‌بینم کار درستی در این زمینه انجام نمی‌گیرد و تهاجم به زبان زیاد است. همین‌طور دارند اصطلاحات خارجی [به کار می‌برند]. ننگش می‌کند کسی که فلان تعبیر فرنگی را به کار نبرد و به جایش یک تعبیر فارسی یا عربی به کار ببرد؛ ننگشان می‌کند. این خیلی چیز بدی است؛ این جزو اجزاء فرهنگ عمومی است که باید با این مبارزه کرد.

دوستان! زبان فارسی یک روزی از قسطنطنیه‌ی آن روز، از استانبول آن روز، زبان علمی بوده تا شبه قاره‌ی هند؛ این که عرض می‌کنم از روی اطلاع است. در آستانه - مرکز حکومت عثمانی - زبان رسمی در یک برهه‌ی طولانی‌ای از زمان، زبان فارسی بوده. در شبه قاره‌ی هند برجسته‌ترین شخصیت‌ها با زبان فارسی حرف می‌زدند و انگلیس‌ها اولی که آمدند شبه قاره‌ی هند، یکی از کارهایی که کردند این بود که زبان فارسی را متوقف کنند؛ جلو زبان فارسی را با انواع حیل و مکرهایی که مخصوص انگلیس‌ها است گرفتند. البته هنوز هم زبان فارسی آن‌جا رواج دارد و عاشق دارد؛ کسانی هستند در هند - که بنده رفته‌ام دیده‌ام، بعضی‌هایشان این‌جا آمدند آن‌ها را دیدیم - عاشق زبان فارسی‌اند؛ اما ما در کانون زبان فارسی، داریم زبان فارسی را فراموش می‌کنیم؛ برای تحکیم آن، برای تعمیق آن، برای گسترش آن، برای جلوگیری از دخیل‌های خارجی هیچ اقدامی نمی‌کنیم. یواش یواش [در] تعبیرات ما یک حرف‌هایی می‌زنند - هر روزی هم که می‌گذرد یک چیز جدیدی می‌آید - ما هم نشنفته‌ایم. گاهی می‌آیند یک کلمه‌ای می‌گویند، بنده می‌گویم معنای آن را نمی‌فهمم، می‌گویم معنای آن چیست؟ معنا [که] می‌کنند، تازه ما اطلاع پیدا می‌کنیم که این کلمه آمده؛ [این] یواش یواش کشانده شده به طبقات و توده‌ی مردم؛ این خطرناک است.



اسم فارسی را با خط لاتین می‌نویسند! خب چرا؟ چه کسی می‌خواهد از این استفاده کند؟ آن کسی که زبانش فارسی است یا آن کسی که زبانش خارجی است؟ اسم فارسی با حروف لاتین!

یا اسم‌های فرنگی روی محصولات تولید شده‌ی داخل ایران که برای من عکس‌هایش را و تصویرهایش را فرستادند! خب چه داعی داریم ما این کار را بکنیم؟ بله، یک‌وقت شما یک محصول صادراتی دارید، آن‌جا در کنار زبان فارسی - فارسی هم باید باشد البته؛ هرگز نبایستی از روی محصولات ما زبان فارسی برداشته بشود - البته زبان خارجی هم به آن کشورهایی که خواهد رفت، اگر زبان دیگری دارند

نوشته بشود، اما محصولی در داخل تولید می‌شود، در داخل مصرف می‌شود، چه لزومی دارد؟ روی کیف بچه‌های دبستانی چه لزومی دارد که یک تعبیر فرنگی نوشته بشود؟ روی اسباب بازی‌ها همین‌جور؛ من واقعاً حیرت می‌کنم. این جزو چیزهایی است که شما خیلی درباره‌اش مسئولیت دارید. البته من مثال‌هایی در ذهن دارم برای این استعمال زبان فارسی که نمی‌خواهم دیگر حالا آن‌ها را عرض کنم؛ نام شرکت، نام محصول، نام مغازه! و از این قبیل همین‌طور مکرر تعبیرات فرنگی و به‌خصوص انگلیسی؛ من از این احساس خطر می‌کنم و لازم است که حضرات و شورای عالی انقلاب فرهنگی نسبت به این مسئله به‌جد دنبال کنند و دولت به‌طور جدی مواجه بشود با این مسئله. حالا معنای مواجهه این نیست که فوراً فردا مثلاً با یک شیوه‌ی تندی یا شیوه‌ی خشنی برخورد کنند، [مواجهه بشوید] اما حکمت‌آمیز؛ ببینید چه کار می‌توانید بکنید که جلو این را بگیرید. (۹۲/۹/۱۹)